

رویکردی تحلیلی - استنتاجی برای تدوین الگوی تربیت زیست‌محیطی با تکیه بر آموزه‌های قرآن کریم

حسنعلی بختیار نصر آبادی **

منیژه ارباب سیر *

جهانبخش رحمانی ***

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده

در این مقاله در چارچوب یک رویکرد تحلیلی - استنتاجی، الگویی مفهومی برای تربیت زیست‌محیطی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ارائه خواهد شد. بدین منظور در گام نخست، از منظر قرآن کریم و با استناد به مجموعه‌ای از تفاسیر معتبر، انسان موجودی دارای اختیار، عقل، فطرت، واجد هویت جمعی و توأمان برخوردار از ابعاد جسمانی و روحانی توصیف شده است و طبیعت نیز با اوصافی همچون آیت هستی، مسخر انسان، قدسیت، حیات‌بخش بشر و مجموعه‌ای قانونمند و منظم معرفی می‌شود. همین توصیفات متعاقباً مبنای تدوین یک الگوی تربیتی با محوریت محیط‌زیست قرار خواهد گرفت. مؤلفه‌های این الگوی تربیتی به ترتیب مشتمل بر مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها هستند. بدین ترتیب که در ابتدا برگرفته از توصیفات فوق‌الذکر، پنج گزاره به‌عنوان مجموعه مبانی تربیتی استنتاج می‌شود. آنگاه برای هر یک از این مبانی پنج‌گانه به تفکیک، یک هدف، یک اصل و یک یا چند روش تربیتی ارائه می‌شود. در واقع الگوی تربیتی معرفی شده در این مقاله بر پایه تناظر و توالی منطقی این مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها در طول یکدیگر بنا نهاده شده است. الگوی تربیتی پیشنهاد شده در اینجا معطوف به تمامی مبادی تربیتی یعنی شناختی، گرایشی و ارادی است. این الگو منطقی می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که رابطه انسان با طبیعت تنظیم شود و نهایتاً منجر به آبادانی و صیانت از آن شود. از این‌رو می‌توان انتظار داشت که یافته‌های پژوهش حاضر، در نظامات رسمی تعلیم و تربیت کشور و ایضاً در حوزه فرهنگ عمومی مورد استفاده تصمیم‌سازان واقع شود.

کلیدواژه‌ها: رویکرد قرآنی؛ محیط‌زیست؛ طبیعت؛ الگوی تربیتی.

* دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، روانشناسی و زبان‌های خارجی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
M_arbab_siar@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

H.nasrabadi@edu.ui.ac.ir

*** استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، روانشناسی و زبان‌های خارجی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
Rahmani@khuif.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

امروزه دخل و تصرف بی‌رویه انسان در محیط‌زیست موجب تخریب آن و بروز مشکلات عدیده‌ای شده است. گسترده‌گی سیاهه مشکلات زیست‌محیطی پیشروی بشر امروز، موجب طرح مباحث علمی و فلسفی متنوعی شده که هر یک از رویکرد و منظری خاص به دنبال یافتن راهکارهایی نظری و عملی برای حفظ و نجات محیط‌زیست می‌باشند. هرچند که در خصوص نگاه به طبیعت، بهره‌برداری و تعامل با آن، مکاتب و صاحب‌نظران مختلف به صورت پراکنده یا منسجم موضوعاتی را طرح کرده بودند، اما افزایش چشمگیر جمعیت کره زمین در اواخر قرن بیستم و شروع بحران‌های عدیده زیست‌محیطی سبب شد این موضوع به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر موضوع مهم چگونگی تعامل با محیط‌زیست، از مسائل مهمی که ذیل مباحث کاربردی و نظری زیست‌محیطی مطرح گردیده، نوع مواجهه مکاتب دینی با محیط‌زیست بوده است. برخی تعالیم و آموزه‌های دینی در خصوص حق تصرف انسان بر کائنات را از عوامل مؤثر در بحران‌های محیط‌زیست می‌دانند و در طرف مقابل عده‌ای دیگر با استناد به نگاه جامع و فراگیر ادیان معتقدند که ادیان و تعالیم دینی و اخلاقی می‌توانند سازوکاری را برای خروج از بحران‌های زیست‌محیطی ارائه دهند. در همین راستا رویکرد توحیدی، بحران زیست‌محیطی را در واقع یک بحران معنوی و دینی می‌داند که در نتیجه جدایی دین از زندگی دنیوی حادث شده است. در نظر گرفتن طبیعت به عنوان یک امانت و موهبت الهی و نیز داشتن یک نگاه اخلاقی به آن (کسائیان، ۱۳۸۲) از جمله راهکارهایی است که توسط طرفداران این رویکرد برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد شده است و به عنوان مثال می‌توان به پژوهشی سه‌ساله با همکاری مجموعه‌ای از چند صد دانشمند با محوریت ارتباط دین و زیست‌بوم که در مرکز ادیان جهان در دانشگاه هاروارد انجام گرفته، اشاره نمود که در آن آمده است، ادیان باید از آموزه‌ها و توان بسیج اجتماعی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام‌گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در راستای حفاظت از محیط‌زیست استفاده کنند (شاه ولی، کاوری زاده، ۱۳۷۸).

در دین اسلام نیز از آنجایی که هیچ موضوعی در رابطه با زندگی دنیوی و اخروی انسان مغفول واقع نشده، در ارتباط با محیط‌زیست و چگونگی تعامل با آن، خصوصاً از این منظر که هر عمل

انسان ضمن داشتن اثر وضعی در این دنیا، بر سعادت و شقاوت ما تأثیرگذار است، آموزه‌های متعددی وجود دارد و تعالیمی نظیر انگیزش درونی (تقوا) اجرای آن را نیز می‌تواند ضمانت نماید. بررسی اخلاق و تربیت زیست‌محیطی در چارچوب دین اسلام از سه منظر ضرورت پیدا می‌کند: ۱- پیامدهای اخلاق زیستی در جهان خارج؛ ۲- شکرگزاری عملی در برابر نعمات خدادادی از جمله نعمت حیات و ۳- رضایت‌مندی خدا. از این رو به نظر می‌رسد ساخت الگوهای تربیت دینی من جمله تربیت زیست‌محیطی در چارچوب آموزه‌های دینی می‌تواند ضمانت اجرایی بیشتری را فراهم آورد. به تعبیری انتظار می‌رود که خدا باوران (البته به شرط درک اهمیت مسئله و دستیابی به فهمی از اخلاق زیست‌محیطی) در مقایسه با خدا ناپاوران رفتاری مسئولانه‌تر در مواجهه و بهره‌برداری از طبیعت داشته باشند.

البته باید این نکته در نظر گرفته شود که هر چند در آیات قرآن کریم به تربیت زیست‌محیطی به‌طور مستقیم اشاره نشده است، اما به‌منظور دستیابی به یک الگوی تربیتی می‌توان از آیات قرآن کریم اصولی را استخراج کرد و برای تحقق آن اصول، روش‌هایی عملی و کاربردی را پیشنهاد داد. هم‌زمان این اصول باید معطوف به مبادی تربیتی یعنی شناخت، گرایش و اراده انسان باشند، به‌طوری‌که با اعمال آن‌ها، معرفت، تمایلات و کنش‌های انسان نسبت به محیط‌زیست ارتقا یابد و تربیت زیست‌محیطی محقق شود.

باید توجه داشت که انسان به‌واسطه تأمین نیازهای متفاوت خود باید از طبیعت بهره‌برداری نماید و این ارتباط دوطرفه خواهد بود، بدین معنا که اگر رفتار انسان با طبیعت سازگارانه و صحیح نباشد، طبیعت نیز مقابله خواهد کرد و سلامت انسان را به خطر خواهد انداخت. به‌منظور ایجاد تعاملی استکمالی بین انسان با طبیعت نیاز به الگویی تربیتی است که اولاً مبتنی بر ویژگی‌های انسان بوده و همچنین به ویژگی‌های طبیعت هم توجه نماید و ثانیاً شرایطی را فراهم آورد تا رابطه انسان با طبیعت تنظیم شود، به‌نحوی که منجر به آبادانی و شکوفایی طبیعت شود. حال با در نظر داشتن این ملاحظات، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان به دلالت‌های تربیتی قابل‌استفاده در نظامات تعلیم و تربیت در ساحت تربیت زیست‌محیطی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم دست یافت. همچنین فرضیه پژوهش بر این اصل استوار شده که با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی امکان ارائه یک الگوی تربیتی به‌منظور استفاده مفید و مؤثر از

محیط‌زیست با به حداقل رساندن آسیب‌ها و ممانعت از ایجاد بحران وجود دارد.

مبانی نظری

افزایش چشمگیر جمعیت کره زمین در اواخر قرن بیستم و شروع بحران‌های عدیده زیست‌محیطی، موجب بروز اولین جرقه‌ها برای پرداختن به اخلاق زیست‌محیطی در دهه ۱۹۷۰ شد. لئوپولد^۱ که به پدر اخلاق زمین شناخته می‌شود در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای تا بدان جا به گسترش مرزهای اخلاق اجتماعی اشاره داشت که تمام اجزای زمین مانند گیاه و جانور را نیز دربر می‌گرفت. در این نگرش، برای کل محیط‌زیست احترام قائل شده و نقش انسان را از یک عنصر یکه‌تاز به یک عضو ساده تغییر می‌دهد. وی همچنین با نگاه اقتصادی نسبت به طبیعت به شدت مخالف است و به نقش دین و فلسفه در پیدایش تغییر درونی و ایجاد اخلاق زیست‌محیطی اعتقاد دارد (لئوپولد، ۱۳۸۴). رویکردی دیگر، بوم‌شناسی ژرفانگر است که نانس فیلسوف نروژی با همکاری‌اش در سال ۱۹۷۳ ذیل مباحث اخلاق زیست‌محیطی آن را طرح کرد. وی معتقد است که همبستگی انسان با محیط‌زیست به قدری است که همگی نمودهایی از یک حیات‌اند. نانس حرکت به سمت بوم‌شناسی ژرفانگر را یک وظیفه اخلاقی دانسته و با الهام از عرفان‌های شرقی، سیر تکامل نفس محدود به نفس جامع را مطرح می‌کند که مبتنی بر آن، فرد باید برای کل سپهر زیستی ارزش قائل شود (نائس،^۲ ۱۳۸۴). پاتریک^۳ و سشنز^۴ دو تن از فلاسفه مدافع این نظریه، سراغ مکاتبی مانند بودیسم، تائوئیسم و مسیحیت رفته‌اند تا برای خود، توجیهی اصولی بیابند و نهایتاً ابراز کردند که برای درک معیارهای اخلاق زیست‌محیطی باید از نیازهای مادی فراتر رفت و از نیازها و امیال کاذب تبلیغاتی عبور کرد (دوال و سشنز، ۱۳۸۴). جنبش دیگر، حقوق حیوانات است که گرچه در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت اما قدمت آن به آرای کانت^۵ فیلسوف شهیر آلمانی باز می‌گردد. وی اراده را قوه‌ای تعریف می‌کند که بر اساس آن، انسان دست به انتخاب می‌زند و البته که با اعمال خود، آزادی دیگران را نیز محدود می‌کند. همچنین ادای وظیفه نسبت به حیوانات را در

1. Leopold
2. Naess
3. Patrick
4. Sessions
5. Kant

وفاداری به آن‌ها تمرینی برای عظوفت نسبت به سایر انسان‌ها می‌داند (کانت، ۱۳۸۴). ریگان^۱ نیز به‌عنوان بنیان‌گذار حقوق حیوانات معتقد است تمام پستانداران بالای یک سال حقوقی مشابه انسان دارند و حیوانات را هم ارزش انسان تلقی می‌کند. رولین^۲ استاد اخلاق زیست‌محیطی دایره وظایف اخلاقی را به همه حیوانات تعمیم می‌دهد و قائل به ادراک و آگاهی حیوانات است (رولین، ۱۳۸۴). رویکردی دیگر اکو فمینیسم است که بر پایه جنبش فمینیسم در دهه ۱۹۸۰ وارد عرصه اخلاق زیست‌محیطی شد. وارن^۳ با انتشار چندین مقاله به تشریح این جنبش پرداخت و پیوندهای بین فمینیسم و بوم‌شناسی را مدنظر قرار داد و با هرگونه سلطه مانند سلطه مرد بر زن و یا انسان بر طبیعت مبارزه کرد و برای حقوق زن و طبیعت ارزشی برابر قائل بود، به‌نحوی که نگرش خودپسندانه باید به برداشت مهرآمیز در مورد زن و طبیعت بدل شود (وارن^۳، ۱۳۸۴: ۶۵).

رویکرد توسعه پایدار، در اعلامیه محیط‌زیست و توسعه ریو، سنگ بنای اجلاس زمین را تشکیل داد و در دهه ۱۹۹۰ بر آن تأکید شد. توسعه پایدار از نظر مفهومی به سازمان‌دهی و ایجاد ارتباط متقابل بین سه محور فعالیت اقتصادی، توسعه اجتماعی و محیط‌زیست اطلاق می‌گردد که به‌موجب آن این سه حوزه که بی‌توجهی‌شان به همدیگر، موجب تخریب محیط‌زیست در دوران انقلاب صنعتی شده، حول محوری مشترک سازمان‌دهی شوند (بری^۴، ۱۳۸۰: ۱۱۳). از جدیدترین نظریات، نظریه جهانی‌شدن و محیط‌زیست است؛ گیدنز محیط‌زیست را از دیدگاه جهانی و با رویکردی سیستمی تبیین می‌نماید و از ابعاد مختلف به این مهم می‌پردازد به‌طوری‌که اقتصاد، سیاست و فرهنگ را گرد هم می‌آورد تا از این پدیده متعلق به تمدن جدید، تصویری کامل‌تر ارائه دهد (بری، ۱۳۸۰: ۳۴). آنچه در این نظریه ملموس است ندادن وزن به دخالت انسان و تصمیم‌گیری آگاهانه او درباره محیط‌زیست است. رویکردی دیگر، رویکرد توحیدی است که بحران زیست‌محیطی را در واقع یک بحران معنوی و دینی معرفی می‌نماید و جدایی دین از زندگی دنیوی را مهم‌ترین عامل بروز بحران‌های زیست‌محیطی می‌داند. در آموزه‌های ادیان توحیدی توصیه شده است که انسان‌ها با توجه به برخورداری از عقل و اراده، باید در پدیده‌های طبیعی بیندیشند و از این راه به خدا پی ببرند. همچنین سعی شده است تا انسان را از راه توجه به طبیعت

1. Regan
2. Rollin
3. Warren
4. Barry

به سوی خدا هدایت کند. از این رو طبیعتی که برای رسیدن به خالق هستی است مورد احترام واقع می شود. در این رابطه می توان به گردهمایی های بین المللی رهبران روحانی و پارلمانی در سال های ۱۹۸۸ در آکسفورد، ۱۹۹۰ در مسکو، ۱۹۹۲ در ریو و ۱۹۹۲ در کیوتو اشاره کرد. مطالعات صورت گرفته بیانگر آن است که توجه به هنجارهای اخلاقی در ارتباط با محیط زیست در برخی از تحقیقات نشان از ارزشمندی طبیعت دارد و نقش دین را عاملی مؤثر در تخریب محیط زیست می داند و در مقابل برخی از مطالعات توجه به عامل انسانی و هنجارهای اخلاقی را ریشه در دین داری جامعه تلقی می نمایند. فنایی و همکارش (۱۳۹۸) در پژوهشی بیان داشته اند از آنجا که هیچ تدبیری به اندازه اخلاق نمی تواند انسان را از درون به ترک رفتار ناشایست ملزم کند لذا برای رهایی از بحران های محیط زیست لازم است اخلاق زیست محیطی را جدی بگیریم. اخلاق زیست محیطی مجموعه ای از معیارهای فردی و اجتماعی را پیش رو می نهد که برای تنظیم رابطه شایسته میان انسان و محیط زیست ضروری است. متفکران قرن بیستم در قلمرو اخلاق محیط زیست انبوهی از نظریه های متعدد را تولید کرده اند که به نظر می رسد در میان آنها، نظریه های زیست محور، به خصوص نظریه احترام به طبیعت، از معقولیت قابل قبولی برخوردارند. عبادی (۱۳۹۹) مبتنی بر اصل درهم تنیدگی انسان و طبیعت، رویکرد جنبش بوم شناسی ژرف نگر را مورد نقد قرار داده است. البته وی این نگرش را در عین حال حاوی نکات سودمندی در باب اخلاق زیست محیطی نیز می داند که از آن جمله می توان به خیزش علیه روحیه سلطه گر و انسان محور فرهنگی و تمدنی در مغرب زمین، خودشکوفایی اصیل انسانی از طریق فرا رفتن از خود و توجه به احیای حقوق ازدست رفته موجودات غیر انسانی اشاره کرد. این جنبش در مقابل ضعف هایی نیز دارد و وی معتقد است که با نگاهی دینی و از طریق اصلاح و بازاندیشی آرای این جنبش می توان به رهیافتی درست در مورد ارتباط انسان و طبیعت دست یافت. این موارد عبارت اند از: نداشتن یک فلسفه منسجم که نتیجه آن مبهم اندیشی و کلی گویی در خصوص مسائل محیط زیستی است؛ نبود برنامه ای جامع به منظور ایجاد بستری برای یک سلسله مراتب معین حیاتی؛ غفلت از مقام والای انسانی و نهایتاً عدم کارآمدی آن در کشورهای توسعه نیافته.

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع مورد بحث در اینجا، مطالعات متعددی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. در پژوهشی از قلندریان (۱۳۹۵) با عنوان «مطالعه تطبیقی رابطه انسان و محیط‌زیست در تفکر توسعه پایدار و تفکر اسلامی» آمده است که یکی از علل به وجود آمدن بحران‌های زیست‌محیطی، امیال سلطه‌جویانه آدمیان است و راه غلبه بر آن، تغییر نگرش نسبت به جایگاه انسان در جهان نوین است. همچنین میرهاشمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی ساختمان با استفاده از سامانه جای پای بوم‌شناختی» به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل انگیزشی یعنی ارزش‌ها، عقاید و هنجارها دارای بیشترین تنوع از موضوعات تأثیرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی هستند. یافته‌هایی این تحقیق که با عنوان رویه ارزشی نام‌گذاری شده است، شکل مرسوم و عملی رفتارها هستند که به وسیله ارزش‌ها پشتیبانی و تقویت می‌شوند. میرفردی (۱۳۹۷) در پژوهشی پیمایشی، با عنوان «نگرش محیط‌زیستی و ارتباط آن با میزان دین‌داری در نورآباد ممسنی» نقش میزان تقیدات دینی در نگرش مطلوب به محیط‌زیست را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های تحقیق وی نشان داد که متغیر نگرش زیست‌محیطی با متغیر دین‌داری به میزان ۹۹ درصد دارای رابطه معنادار و مستقیم و با متغیر سن در سطح ۹۵ درصد دارای رابطه معکوس و معنادار بوده است. وایت^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «ریشه تاریخی بحران‌های اکولوژی ما» سرمنشأ بحران زیست‌محیطی را یهودیت و مسیحیت دانسته است، چراکه ادیان چنین القا نموده‌اند که جهان از آن بشر است و او می‌تواند تا آنجا که باید، از آن بهره‌برداری کند. همچنان در مقاله‌ای از کلارک^۲ با عنوان «اخلاق زیست‌محیطی» به نقل از مورخ مشهور توین‌بی نیز بر این نکته اصرار می‌کند که برای نجات طبیعت باید از ادیان ابراهیمی چشم‌پوشی کرد و خداگرایی را بدان گونه که در آیین شیئتو نشان داده شده است، پذیرفت (کلارک، ۲۰۰۵). محقق داماد در کتاب «الهیات محیط‌زیست» بیان می‌دارد که توماس^۳ (۱۹۸۳) اتهامی را متوجه اسلام کرد و گفت عزیز داشتن بشر از مشکلات اندیشه اسلامی است. او چند آیه همانند آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره ابراهیم، آیه ۲۹ سوره بقره و آیه ۱۵ سوره ملک را بهانه کرده که در

1. White
2. Klark
3. Thomas

این آیات استفاده از همه چیز در قرآن برای انسان آزاد دانسته شده است (محقق داماد، ۱۳۸۰). در پژوهشی انتقادی نسبت به دیدگاه لین وایت، شوشتری و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مدل ادب محیط‌زیست و تبیین اهداف آموزش محیط‌زیست بر اساس دیدگاه اسلامی مادر بودن زمین» معتقدند در مواجهه با مبنای انسان‌شناختی اسلامی، ناتوان از تبیینی مطابق واقع از علل پیدایش بحران زیست‌محیطی هستند. این نوع تفکرات ضد ادیان موجب شده است در سال‌های اخیر پژوهشگرانی به تحقیق در مورد نقش دین در دفاع از محیط‌زیست بپردازند. در مقاله دیگری، فراهانی فرد و همکارش (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های زیست‌محیطی و مبانی نظام محیط‌زیست در اسلام» با نقد این نظریه که آموزه‌های دینی در تخریب محیط‌زیست مؤثرند، معتقدند دین اسلام توجه ویژه‌ای به حفظ محیط‌زیست و بهبود آن دارد و زمینه تخریب را ایجاد نمی‌کند. خالد^۱ در مقاله مشابهی (۲۰۱۰) با عنوان «اسلام و محیط‌زیست - اخلاق و عمل ارزیابی» بحران‌های فعلی زیست‌محیطی را متأثر از مدرنیته و بی‌توجهی به مبانی اخلاقی و انسانی می‌داند. وی پیشنهاد می‌دهد این روند باید متوقف شود و در این مسیر آموزه‌های اسلامی می‌تواند راهگشا باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش تحلیلی - استنتاجی است و یافته‌های پژوهش بر مبنای یک مدل کاربردی ارائه شده است. طرح کلی این مدل بر اساس ترسیم یک الگو صورت گرفته که در آن ابتدا تعریف انسان و صفات آن از آیات قرآن استخراج شده و سپس آیات مربوط به طبیعت در قرآن که متناظر با صفات انسانی بوده، مورد بررسی قرار گرفته است. با در کنار هم قرار دادن صفات متناظر انسانی و طبیعت، مبانی و اهدافی استخراج شده و در انتها روش‌های تربیتی برای تحقق اهداف پیشنهاد شده است. در مجموع، این مدل با رویکردی اسلامی - هنجاری، تلاش نموده موضوعات انسان، طبیعت (محیط‌زیست) و تربیت را در قالب یک کلیت به هم پیوسته بررسی نماید و این نقطه تمایز این پژوهش است که ضمن ارتقای دانش نظری، دارای دلالت‌های کاربردی و اهداف عملی نیز است و از یافته‌های آن در حوزه تعلیم و تربیت نیز می‌توان استفاده نمود.

سؤال پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چگونه می‌توان به دلالت‌های تربیتی قابل‌استفاده در نظامات تعلیم و تربیت در ساحت تربیت زیست‌محیطی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم دست یافت. این پژوهش بر این فرض استوار شده که با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی امکان ارائه یک الگوی تربیتی به‌منظور استفاده مفید و مؤثر از محیط زیست در کنار به حداقل رساندن آسیب‌ها و ممانعت از ایجاد بحران وجود دارد. البته باید این نکته در نظر گرفته شود که هرچند در آیات قرآن کریم به تربیت زیست‌محیطی به‌طور مستقیم اشاره نشده است، اما به‌منظور دستیابی به این الگوی تربیتی می‌توان از آیات قرآن کریم اصولی را استخراج کرد و برای تحقق آن اصول، روش‌هایی عملی و کاربردی را پیشنهاد داد. به‌طور مشخص در اینجا سؤالات فرعی این است: قرآن کریم چه توصیفاتی از انسان و طبیعت به دست می‌دهد؟ در ثانی، تربیت زیست‌محیطی چه معنایی می‌دهد؟ آنگاه چگونه می‌توان بر اساس مبانی انسان‌شناسانه و هستی‌شناسانه برگرفته از قرآن کریم، یک الگوی تربیتی را بنا کرد؟ این الگو، چه ساختار و اجزایی دارد و نهایتاً چگونه می‌توان از قبل این الگو، اصول و روش‌های تربیتی را استخراج کرد؟

یافته‌ها

در بخش حاضر، تلاش می‌شود برای پرسش‌های اصلی و فرعی پیش‌گفته پاسخ‌هایی متناسب به دست داده شود. در ابتدا اوصاف انسان و طبیعت از منظر قرآن کریم استخراج می‌شوند. آنگاه ساختار و اجزای الگوی تربیتی پیشنهادی معرفی می‌شوند. این الگو مشتمل بر مجموعه‌ای از مبانی، اصول و روش‌های تربیتی است. نهایتاً هر یک از این اجزا به تفکیک تشریح خواهند شد.

۱- انسان بر اساس آموزه‌های قرآنی:

در فلسفه تربیت اسلامی انسان دارای ویژگی‌هایی است که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌سازد. آدمی دارای دو جنبه جسمانی و روحانی است به‌طوریکه در آیه ۹ سوره سجده می‌فرماید: سپس خدا اندام انسان را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید. همچنین در تکوین خلقت آدمی اشاره به فطرت انسان شده است. در آیه ۳۰ سوره روم آمده است: پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته

است، آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. انسان در میان سایر موجودات دارای ویژگی متمایزی بنام عقل است که به وسیله آن حق را از باطل و نافع را از مضر تمیز می‌دهد. در آیه ۳۵ سوره عنکبوت آمده است: و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم. در نظام تکوین، انسان نیز دارای اختیار است، در آیه ۱۰۴ سوره انعام آمده است: هر که بینا گشت به سود خود اوست و هر که کور شد به زیان خود اوست. این جمله خطابی است از سوی پیامبر اکرم (ص) به مشرکان مبنی بر اینکه شما در گزینش راه خود مختار هستید، اگر می‌خواهید از این حجت‌های الهی کسب بصیرت کنید یا چشم خود را به روی این‌ها ببندید، بدانید نتیجه این گزینش به خود شما بازمی‌گردد (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۳۰۲). از دیگر توصیفات انسان این است که وی صرفاً به منزله فرد نیست، فردی که مجزا از جمع باشد، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می‌کند، وجهی اساسی از هویت جمعی انسان را نشان می‌دهد. در سوره اعراف آیه ۳۴ می‌فرماید: و برای هر امتی اجلی است پس چون اجلشان فرا رسد نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش. در این آیه سخن از حیاتی دارد که تخلف‌ناپذیر است، نه پیش افتادنی است و نه پس افتادنی، این حیات به امت و نه به افراد تعلق دارد. جوادی آملی به نقل از علامه طباطبائی، غایت انسان را نیل به سعادت می‌داند که اولاً باید به‌طور اختیاری و بر اساس عقلانیت باشد، ثانیاً در راه جمعی به سوی این غایت حرکت کند. نتیجه این وضعیت به وجود آمدن مدنیت در جامعه و هویت جمعی در اوست (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۱۰). بنابراین با توجه به آیات قرآنی فوق، انسان موجودی است که دارای ساختاری جسمانی و روحانی، برخوردار از فطرت، عقل، اختیار و هویتی جمعی است.

۲- طبیعت بر اساس آموزه‌های قرآنی:

در فلسفه تربیت اسلامی از جهان هستی به‌عنوان نظامی قانونمند سخن می‌گوید که به امر خدا استوار است. طبیعت بخشی از نظام هستی است و از آن تبعیت می‌کند. انسان برای شناخت بهتر پدیده‌ها و مخلوقات موجود، باید عالم هستی را نشانه وجود خدا و همه عالم را آیات الهی و راهی به سوی صاحب نشانه بداند. در آیه ۱۱ سوره نحل می‌فرماید: به وسیله باران، برای شما کشتزار، زیتون، نخل‌ها، تاکستان‌ها و انواع میوه‌ها می‌رویاند، همانا در این رویش متنوع آیه و عبرتی برای اهل اندیشه است. همچنین طبیعت حیات‌بخش بشر است. خداوند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نوح

می‌فرماید: خدا شما را از زمین رویانید، رویدنی خاص. سپس شما را به عناصر زمین باز می‌گرداند و پس از آن شما را به گونه‌ای از زمین بیرون می‌کشد. از دیگر اوصاف طبیعت این است که قدسی است. چنانچه قرآن کریم در سوره شمس از سوگند به شمس شروع می‌کند و بعد به ماه و نور ماه سوگند یاد می‌کند، سپس به روز قسم می‌خورد. از دیدگاه اسلام ارزش ابزار طبیعت در کنار جنبه نمادین و قدسی آن مطرح است که به منزله وسیله‌ای برای نیل به غایتی معین در اختیار بشر قرار گرفته است. همچنین طبیعت برخوردار از صفت عدل و نظم است. به طوری که در آیه هفت سوره الرحمن آمده است: و آسمان را برافراشت، میزان عدل و نظم را در عالم نهاد. از دیگر ویژگی‌های طبیعت، مسخر انسان بودن است. در آیه ۱۲ سوره نحل فرموده است: خداوند شب و روز و خورشید و ماه را در خدمت و بهره‌دهی شما قرار داد و ستارگان به فرمان او تسخیر شده‌اند. بنابراین طبیعت دارای اوصافی مانند آیت هستی، مسخر انسان، قدسیت، حیات‌بخش بشر و دارای قانون و نظم است.

۳- ساختار الگوی تربیت زیست‌محیطی:

باید اذعان داشت تربیت زیست‌محیطی در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در اجلاس بین‌المللی با حمایت یونسکو در سال ۱۹۷۷، تعریف تربیت زیست‌محیطی را چنین ارائه دادند: فرآیند یادگیری دانش و آگاهی شهروند در قالب پرورش مهارت‌های لازم درباره چگونگی ایجاد و تقویت نگرش، انگیزش و تعهدهایی که باعث تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و عملکرد مسئولانه می‌گردد (یونسکو، ۱۹۷۸). استپ^۱ (۱۹۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت زیست‌محیطی» می‌گوید: تربیت زیست‌محیطی فرآیندی است با هدف پرورش شهروند آگاه و مسئول پیرامون آگاهی از محیط‌زیست خود و مسائل مرتبط با آن، تا بتواند چگونگی حل این مشکلات را پیدا کند و با انگیزه برای عملی‌سازی این راه‌حل‌ها اقدام کند. داوودی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی» به این نتایج دست یافته است که تربیت زیست‌محیطی رهین پرورش نگاه توحیدی به جهان هستی، آشنا کردن افراد با فلسفه آفرینش جهان هستی، آگاه کردن افراد با وظایف خود در قبال محیط‌زیست، پرورش احساس دوستی و احساس تکلیف در قبال اعضای جامعه و نسل‌های آتی

است. چنین استنباط می‌شود که در تربیت زیست‌محیطی از منظر اسلام، انسان از فلسفه آفرینش خود و طبیعت آگاه است، وظایف خود را نسبت به حفظ، آبادانی و بهره‌گیری از مواهب طبیعی در راستای اوامر الهی و تکامل مادی و معنوی خود می‌شناسد و نتیجه چنین نگرشی تربیت انسان صالح هماهنگ با محیط زیست است.

همان‌طور که گفته شد، در این مقاله دو مجموعه پنج‌گانه از اوصاف انسانی و نیز مناظر با آن‌ها، اوصاف پنج‌گانه‌ای از طبیعت از میان آیات قرآن کریم به‌عنوان مبانی اساسی تربیت استخراج شده است. همچنین با نگاهی ترکیبی به این مبانی اساسی، به تلخیص و باهم‌نگری آن‌ها اقدام شده است که بر اساس آن مبانی تربیت زیست‌محیطی شکل می‌گیرد و آنگاه در کنار اهداف مرتبط، اصول تربیت زیست‌محیطی به روش استنتاجی احصا می‌شود و روش‌هایی برای عمل به این اصول پیشنهاد می‌گردد که بر این اساس زنجیره الگو شکل می‌گیرد. به‌عنوان نمونه به این الگو بنگرید:

وصف قرآنی از انسان: دارای عقل است. وصف قرآنی از طبیعت: آیت الهی است.
گزاره هدف: آدمی باید نسبت به پدیده‌های جهان طبیعت به‌عنوان آیت الهی، نگاهی آیت‌بین داشته باشد.

گزاره مبنایی: نگاه آیت‌بین به پدیده‌های جهان طبیعت در گروه اندیشه‌ورزی در آن‌ها است.
اصل تربیتی: آدمی برای آنکه نسبت به پدیده‌های جهان طبیعت نگاهی آیت‌بین داشته باشد، باید در آن‌ها اندیشه‌ورزی نماید.

روش: طریقه برخورداری از نگاه آیت‌بین، تقویت بینش توحیدی است.

۳-۱- زنجیره اول:

۳-۱-۱- مبنا: نگاه آیت‌بین به پدیده‌های طبیعت در گروه اندیشه‌ورزی

در آیات قرآن اندیشه‌ورزی مانند تفکرون و عقل ورزی مانند یعقلون به معنای فهم عمیق آمده است تا در پرتو آن علم‌آموزی صورت گیرد. آنچه به انسان بها و ارزش واقعی می‌دهد، صرف داشتن عقل و خرد نیست، بلکه تفکر و اندیشه‌ورزی بشر است که وی را به بینش و جایگاه واقعی انسانیت می‌رساند. در آیه ۱۲ سوره نحل می‌فرماید: شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت و ستارگان آسمان هم به فرمان او مسخرند، همانا در این

کار آیت‌ها و نشانه‌هایی [از قدرت خدا] برای اهل خرد پدیدار است. به عبارتی آیت‌بین بودن برای اندیشه‌ورزان است. در آیه ۴۴ سوره عنکبوت می‌فرماید: در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه‌ای از ربوبیت برای اهل ایمان کاملاً پدیدار است. یعنی آسمان‌ها و زمین را آیه عظمت خداوند می‌داند، اهل ایمان آنان‌اند که اندیشه‌ورزند و نگاه آیت‌بین دارند.

۳-۱-۲- اصل توجه به اندیشه‌ورزی آیه‌ای درباره طبیعت:

قرآن کریم تمام پدیده‌های طبیعی را نشانه‌های الهی توصیف می‌کند که آدمی را به سوی مبدأ عالم متوجه می‌کند. البته آیت بودن جهان خلقت بر کسانی مکشوف خواهد شد که از سر تدبر در عالم بنگرند و هشیارانه در برگ برگ درختان، به چشم دفتر معرفت کردگار نظر افکنند. چنانکه خداوند در آیه ۵۳ سوره فصلت می‌فرماید: آیات خود را در آفاق و در وجودشان به آن‌ها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است. کلمه «نریهم» در این آیه آن است که آیات ما به قدری یقین آور، روشن و استوار است که مفهوم رؤیت در آن‌ها حقیقت دارد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). ضمناً آیه شامل تمامی شئون، ارکان اجزای هستی و قوانین حاکم بر آن‌هاست و حقیقت هر چیز از ظاهر و باطن و از ملک تا ملکوت، آیه‌ای از آیات حق تعالی است. به عبارتی چنین اندیشه‌ورزی و فهم آیات تنها از طریق عقول رشد یافته محقق خواهد شد که می‌تواند راهی برای شناخت عظمت، تدبیر و اقتدار الهی باشد و پایه‌های ایمان را تحکیم بخشد.

۳-۱-۳- روش:

اثبات این که جهان‌خدایی دارد امر نسبتاً سهلی است که در آراء فلاسفه یونان باستان بر اساس عقلانیت یونانی نیز قابل اثبات است. آنچه در تفاوت اندیشه دینی با دیگر اندیشه‌ها وجود دارد رابطه خالق با اکنون هستی است. اسلام در پاسخ، خدا را ارباب تمام لحظات و آنات معرفی می‌کند و معنی ربوبیت یعنی تمام امور را تدبیر می‌کند. اگر بتوان به چنین فهمی از توحید دست‌یافت که خداوند هر لحظه در حال خلقی نو است، آنگاه از نظر بیننده جزء جزء هستی آیت خدا می‌شود و این همان نگاه آیت‌بین است.

۳-۲- زنجیره دوم:

۳-۲-۱- مبنا: رفتار مسئولانه نسبت به طبیعت در گروی تکلیف‌گرایی

خداوند انسان را گرامی داشت و از روح خود، سهمی از کرامت به انسان بخشید. آنگاه حق

تصرف و تسخیر در طبیعت را به وی سپرده است. در آیه ۱۳ سوره نحل آمده است: و نیز آنچه در زمین برای شما آفرید و به انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ در آورد، همه را مسخر شما کرد. چنین حق تصرفی فقط به انسان سپرده شده است. لازمه کریم بودن این است که انسان خود پنداره مثبتی از خود بسازد، از رفتارهای دنی و پست دوری نموده و نقش خود را در نظام خلقت بشناسد. وی خود را مکلف می‌داند که به مقام عالی انسانی برسد و در مناسبات خود با نظام هستی، با رویکردی کریمانه و سازنده رفتار کند. مسئولیت‌پذیری زمانی که با احساس ارزشمندی خود فرد گره می‌خورد، روح تکلیف‌گرایی قوت می‌گیرد. خداوند اشاره به تکلیف انسان نسبت به طبیعت دارد، به طوری که در آیه ۵۶ سوره اعراف می‌فرماید: در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید که در اینجا فساد یعنی ایجاد نابسامانی و از حالت تعادل خارج کردن طبیعت است. بنابراین انسان با کرامت، نسبت به اصلاح و جلوگیری از افساد طبیعت مسئولانه رفتار خواهد کرد.

۳-۲-۲- اصل توجه به تکلیف‌مداری نسبت به طبیعت:

بر اساس آیات قرآنی، انسان حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم را دارد اما در به رسمیت شناختن حقوق دیگران از داشتن محیط‌زیستی سالم نیز دارای تکلیف است. در آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: هنگامی که روی برمی‌گردانند و از نزد تو خارج می‌شوند در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند باینکه می‌دانند خدا فساد را دوست نمی‌دارد. بر اساس این که مسئولیت نسبت به مراقبت از محیط‌زیست، امری الهی و تخریب و نابودی آن، حکم فساد و تضاد با تعالیم الهی را دارد، قوه محرکه این تکلیف‌گرایی، حفظ کرامت انسانی است که در پرتو ایمان، با اختیار اعمال صالح به دست می‌آید و آن مستلزم فرارفتن از خودخواهی منفعت‌طلبانه و دوری از گناه است. اگر این نیرو به جنبش درآید، مظهر تحولات درونی عظیم و اقدامات چشمگیری خواهد شد که حاصل آن، خود را مکلف و مسئول دانستن است (باقری، ۱۳۹۵: ۱۵۴). ظهور این احساس و انگیزتگی که نمایشی از اراده انسان است او را نسبت به طغیان‌های درونی، شهوت لذت و اسراف در استفاده از مواهب طبیعی مصون نموده و با ایجاد هوشیاری از او انسان متعادلی می‌سازد که در تعاملاتش، حق خداوند، دیگر انسان‌ها و طبیعت را به خوبی پاس بدارد.

۳-۲-۳- روش:

پایبندی نهادهای دینی نسبت به موضوع محیط‌زیست به‌عنوان امری معنوی از درجه تکلیف‌گرایی و التزام درونی از طریق انتخاب و پذیرش تبعات آن، پاسخگو بودن به‌عنوان امری درونی و در وجه بیرونی آن انجام پروژه‌ها، بازدیدها و برگزاری اردوها در زیستگاه‌های مختلف، با فراهم‌آوری فرصت برای آنکه یادگیرندگان، مسائل چالشی محیط‌زیست خود را تحلیل نموده و راه‌حل ارائه نمایند. توجه به تعادل اکوسیستم‌ها، درخت‌کاری، گسترش فضای سبز، حفظ تنوع گیاهی و جانوری و همه اقدامات فوق می‌توانند مقوم حس مسئولیت‌پذیری باشند. آموزش سبک زندگی صحیح و تنظیم مصرف و هدر ندادن منابع از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، از روش‌های پیشنهادی است.

۳-۳-- زنجیره سوم:

۳-۳-۱- مبنا: تعامل با طبیعت در گروهی بینش کل‌نگر

وجود تفکر کل‌نگر در اسلام، تأمین‌کننده عالی‌ترین غایات و نهایتاً قرب الهی است که ضامن سلامت و پویایی کل نظام هستی در یک ارتباط هماهنگ و هدفمند با خالق است. در عصر حاضر با طرح نظریه سیستمی به‌نوعی جهان‌بینی رسیده‌اند که بررسی پدیده‌ها باید از طریق در نظر گرفتن پدیده‌ها در یک کلیت صورت گیرد (فرشاد، ۱۳۶۲: ۴۳). خداوند در آیه ۵۳ سوره فصلت می‌فرماید: به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم. به‌بیان‌دیگر از نظر اسلام وحدتی بر کل جهان حاکم بوده و بین کلیه اجزای عالم ارتباط برقرار است. به همین دلیل اسلام تفکر جزء‌گرایانه را مردود می‌شمرد (ولایی، ۱۳۸۸: ۴۳). بنا به آیاتی، انسان به‌عنوان جزئی هدف‌دار و عامل باید تعادل و رابطه هدفمند بین اجزای طبیعت را حفظ کند. دخالت ناسازوار در هر یک از اجزای این کل، از جمله محیط‌زیست می‌تواند آسیب و لطمات جبران‌ناپذیری را وارد آورد و حیات بشری را در بسیاری از ساحت‌ها به خطر اندازد.

۳-۳-۲- اصل ایجاد بینش کل‌نگر درباره طبیعت:

به‌منظور ایجاد بینشی کل‌نگر، نیاز به طرح مسئله حکمت است که می‌توان حکمت را به دانستن و دیدن جایگاه هر چیز در عالم و در یک شاکله‌ای کلی تعبیر نمود. یعنی هر تصمیم و اقدامی متناسب و ناظر به کل جامعه باشد و آن را خدشه‌دار نکند، چراکه همان کل منجر به نابودی خود ما

خواهد شد. در طبیعت و حقیقت عالم هستی، همه چیز پیوسته است، اگر تنظیماتی که سوار بر جامعه، طبیعت و زیست انسان‌ها می‌شود با فطرت آن‌ها سازگار نباشد، آسیب خود را به همه خواهد زد (قربانی زاده، ۱۳۹۰). این امر نیاز به وحدت میان علم، تکنیک و فلسفه دارد که به دنبال منافع جمعی بوده و بر اساس یک نقشه جامع حرکت کند. برای تقویت چنین نگرشی نیاز به تربیت ذهنی فلسفی است که منجر خواهد شد به باطن امور توجه شود و پدیده‌ها را ذومراتب و دارای جایگاه خاصی در خلقت ببیند و نسبت هر پدیده‌ای را با حقیقت پیدا کند. به عبارتی هر دانشی، زمانی مفید است که نگرشی یکپارچه و توجهی توأمان به مصالح و شکوفایی افراد، جامعه و طبیعت داشته باشد. بر اساس آیاتی چند که در سوره الرحمن آمده است: در چنین بینشی طبیعت مظهر علم، اقتدار، رحمت و رزق خداوندی است. آثار تربیتی این اصل کسب حکمت و بصیرت است.

۳-۳-۳- روش:

تربیت ذهن فلسفی و توجه به فلسفه‌های مضاف مثل فلسفه علم، اخلاق، ذهن، دین و ... می‌تواند ذهن آدمی را از سطحی‌نگری به عمقی‌نگری ارتقا بخشد و موجب درک بهتر ارتباط پدیده‌های مختلف عالم شود. جای خالی فلسفه برای کودکان و گنجاندن دروس فلسفه و منطق برای کلیه رشته‌ها و مقاطع در برنامه درسی کاملاً مشهود است. برای تربیت چنین ذهنی که مؤلفه‌های آن کنجکاوی، ایده پردازی، آموزش مسئله محور و تفکر انتقادی است، می‌توان این قابلیت را در فراگیران ایجاد کرد تا در اندیشه‌ای کل‌نگر ضمن تحلیل درست پدیده‌ها بتوانند ابعاد پیدا و پنهان آن‌ها را کشف نمایند. طرح مسائل زیست‌محیطی و آموزش روش‌های حل آن، آدمی را توانمندتر و ملتزم‌تر نسبت به موضوع محیط‌زیست می‌کند. همچنین روش آموزش زمینه محور می‌تواند ارتباط معناداری بین رشته‌های مختلف علوم را کشف نماید و نهایتاً به وحدت علوم بگراید.

۳-۴- زنجیره چهارم:

۳-۴-۱- مبنا: رابطه معنوی با طبیعت در گروهی تذکر دادن نسبت به نعمت‌های الهی

خداوند نعمت‌های بسیار گسترده‌ای به انسان عطا فرموده است، اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که انسان را دچار خود کرده است. یادآوری نعمت‌ها روش تربیتی بسیار مؤثری است

که مریبان بزرگ بشریت یعنی خداوند، انبیا و اولیا آن را به طور گسترده مورد استفاده قرار داده‌اند. در آیه سه سوره فاطر آمده است: ای مردم نعمتی را که خدا به شما داده است، متذکر شوید. ذکر نیز به معنای به یاد داشتن است که در مقابل غفلت و فراموشی استفاده می‌شود. همچنین در آیه ۶۹ سوره اعراف آمده است: پس نعمت‌های خدا را به یاد آرید، شاید که رستگار شوید. دستورات مکرر خداوند بر متذکر شدن به الطاف بی‌کران او دلیل روشنی بر اهمیت ذکر در رشد معنوی انسان دارد.

۳-۴-۲- اصل احیای پیوند قدسی با طبیعت از طریق متذکر شدن:

اصل احیای پیوند با طبیعت، معطوف به لزوم برقراری ارتباط وجودی با طبیعت است که رهاورد آن باید بهره‌گیری از احساس امنیت و آرامش نهفته در بطن طبیعت باشد. تداوم در احیای پیوند با طبیعت به دلیل همسویی طبیعت با فطرت پاک آدمی، می‌تواند شاکله او را الهی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). نگاه سکولاریزه به دین، زدودن معنویت از طبیعت و نگاه ابزاری به آن در جهت برآوردن مطامع انسانی، تبعات جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست تحمیل نموده است که رفع این بحران‌ها ریشه در ابعاد معنوی، فلسفی و دینی دارد. می‌توان تصدیق نمود فقط دین و فلسفه‌های مبتنی بر آن قادرند کیفیت قدسی طبیعت را احیا کنند (نصر، ۱۳۸۶، ۳۵۰). خداوند در آیه ۷۴ سوره اعراف می‌فرماید: پس نعمت‌های خدا را یاد کنید و در زمین به فساد و تبهکاری برنخیزید. «عَثُو» در این آیه به معنی خروج از حد اعتدال و کفران نعمت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۰۲). اشاره به متذکر شدن، نوعی توجه به خویشتن خود و جلوگیری از غفلت نسبت به نعمت‌های الهی است. ذکر خدا منطبق با فطرت، وسیله پالایش روح و آماده شدن برای پذیرش رحمت پروردگار است و موجب برانگیختگی پیوند قدسی و معنوی انسان با خداوند می‌شود.

۳-۴-۳- روش:

قراردادن مباحث زیست محیطی در دروس علوم انسانی و معارف دینی، پرداختن به موضوع محیط‌زیست از منظر انسان‌شناختی و هستی‌شناختی در کتب درسی در همه سطوح می‌تواند درکی از معنویت نسبت به طبیعت در انسان ایجاد و تعامل وی را با طبیعت قداست بخشد. توجه نهادهای دینی به اهمیت محیط‌زیست به منظور معنویت‌افزایی و خطابه‌های سخنوران دینی در توصیف این مهم، ارائه فقه پویا در مقوله محیط‌زیست می‌تواند اندیشه خداپاوران را تحکیم بخشد. استفاده از

ابزار هنر در معرفی زیبایی‌های ظاهری و معنوی طبیعت و تقویت حس زیباشناختی در فراگیران، کسب تجربه‌های معنوی در سکوت طبیعت بکر می‌تواند تذکردهنده باشد چنان‌که پیامبران، در این سکوت، ارتباطات خاصی با خداوند برقرار می‌کردند.

۳-۵- زنجیره پنجم:

۳-۵-۱- مبنا: رفتار محافظت‌گرایانه نسبت به طبیعت در گروهی رفتار عدالت‌جویانه

خداوند منابع طبیعت را رایگان و به عدالت برای استفاده همگان قرار داده است. در آیه ۱۰ سوره الرحمن می‌فرماید: زمین را با هزاران نعمت برای زندگانی خلق مقرر فرمود. یعنی زمین متعلق به همه زمان‌ها و همگان است. همچنین در آیه ۳ سوره احقاف فرموده است: ما آسمان‌ها، زمین و آنچه را بین آنهاست جز به حق و جز در وقت معین نیافریده‌ایم و آنان که کافرند از هر چه پند و اندرزشان کنند و بیمشان دهند روی می‌گردانند. یعنی جهان طبیعت بر پایه حق و عدالت استوار شده و باطل در آن راه ندارد و به مقتضای وضع با طبع که قانونی فطری و عقلی است روابط انسان‌ها باید بر اساس عدالت‌جویی استوار شود. بنابراین علت غایی آفرینش نعمت‌های الهی، بهره‌مندی انسان‌ها از آن و تأمین رفاه عمومی است. اگر منابع طبیعی به گونه‌ای توزیع شوند که بسیاری از انسان‌ها از این مواهب بی‌نصیب شوند، نقض غرض در آفرینش نعمت‌ها صورت گرفته که دلیلی روشن بر انحراف از مسیر عدالت در حوزه محیط‌زیست است.

۳-۵-۲- اصل تقویت هویت جمعی به منظور اجرای عدالت زیستی:

هویت جمعی بر اساس تعاریف و چارچوب‌های خود موجب می‌شود که افراد به صورت معنادار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هرچقدر این هویت مستحکم‌تر باشد فرد خود را در گروه مستحیل‌تر می‌بیند و هرچقدر این گروه‌ها تقویت شوند، حس همبستگی افزایش می‌یابد و می‌تواند افراد را در توجه به منافع جمع از جمله عدالت زیست‌محیطی حساس‌تر کند. در آیه ۱۴ سوره نحل می‌فرماید: آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنهاست، خداوند برای شما آفریده است. یعنی همه مردم در بهره‌برداری از آنها با یکدیگر سهیم هستند. پس افراد نسبت به هم دارای مسئولیت اجتماعی بوده و اراده جمعی باید به گونه‌ای شکل بگیرد که نسل‌های حاضر و آینده به حیاتی موردپسند دست یابند. در اسلام از سرکشی در استفاده از طبیعت نهی شده است زیرا موجب به هم خوردن تعادل در نظام موزون خلقت می‌شود و به شکل آشکار، ظلمی در حق دیگر انسان‌ها است.

۳-۵-۳- روش:

یاددهی شیوه‌های کارگروهی و همیاری، تمرین کار تیمی در مراکز آموزشی، توجه دولت‌ها در تقویت نهادهای مردم‌نهاد و انجمن‌ها با رویکرد حمایتی و توسعه‌ای به طبیعت و نیز ارتقا فرهنگ عمومی در جهت تقویت اراده و هویت جمعی از مهم‌ترین راهبردها می‌باشند. همچنین دولت‌ها به روش آینده‌نگری و علم‌پژوهانه با استفاده از علم و فناوری، آمار و احتمالات و ارزش‌گذاری می‌توانند مجری عدالت در تخصیص منصفانه منابع برای نسل کنونی و نسل‌های آینده باشند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بحث شد، این پژوهش درصدد رسیدن به مجموعه‌ای از اصول و روش‌ها بر اساس مبانی برگرفته از آیات قرآن کریم است تا با عمل به این اصول و روش‌ها تربیت زیست‌محیطی شکل بگیرد. با توجه به اینکه گزاره‌های اساسی این مبانی مبتنی بر ویژگی‌های انسان و همچنین ویژگی‌های طبیعت است به روش استنتاجی این اصول از مبانی تربیتی حاصل شده است: آدمی برای آنکه نسبت به پدیده‌های جهان طبیعت، نگاهی آیت‌بین داشته باشد، باید در پدیده‌های طبیعی اندیشه‌ورزی نماید. تحقق این اصل معطوف به مبدأ عقلانیت و اندیشه‌ورزیدن نسبت به پدیده‌ها است که موجب معرفت توحیدی می‌شود. همچنین این‌که انسان خلیفه خدا بر زمین است و نسبت به امر تسخیر و تصرف در طبیعت باید تکلیف‌مدارانه عمل کند به‌نوعی عملی مسئولانه اشاره دارد که معطوف به اراده انسان است. باید اذعان داشت به‌منظور تعامل درست با طبیعت، انسان باید با نگرشی کل‌نگر، یکپارچه و مرتبط با طبیعت به‌عنوان بخشی دیگر از نظام هستی با رفتارهای مراقبتی به این انسجام و هماهنگی آسیبی وارد نیاورد. لازمه چنین درکی در حرکتی هماهنگ با فطرت آدمی، نیازمند متذکر شدن نعمت‌های الهی و شکرگزاری است که ریشه در تمایلات فطری و گرایش‌های انسانی دارد. باید اذعان داشت، تقویت هویت جمعی که برخاسته از اراده جمعی در اجرای عدالت زیستی است می‌تواند عاملی بسیار اثرگذار در بهره‌برداری عادلانه از امکانات زیستی باشد. الگوی تبیین شده به تمام مبادی تربیتی یعنی شناختی، گرایشی و ارادی، معطوف است و با اعمال روش‌های پیشنهادی می‌تواند شرایط تربیت زیست‌محیطی را در فراگیران

به وجود آورد. به نظر می‌رسد اختصاص یک درس در نظام آموزشی با تمرکز بر پرداختن به جنبه‌های وحیانی محیط‌زیست و نیز برگزاری دوره‌های ضمن خدمت با موضوع اخلاق محیط‌زیست و بر اساس اصول و مبانی الگوی اسلامی از جمله راهکارهای عملی برای تحقق اهداف این پژوهش باشد.

همچنین، بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش در به‌کارگیری این الگو باید در تدوین برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس، تربیت نیروی انسانی و آموزش مربیان نسبت به پیاده‌سازی این اصول و روش‌ها اهتمام جدی به وجود آید. تأسیس مدرسه طبیعت و همچنین آموزش‌های زیست‌محیطی لازم از طریق رسانه‌ها، نهادهای تربیتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، شهرداری‌ها، فرهنگسراها، سازمان‌های مرتبط با محیط‌زیست، مساجد و مبلغان دینی می‌تواند در فرهنگ‌سازی و معنویت‌بخشی نسبت به طبیعت نقش مهمی داشته باشند. سیاست‌مداران کشور با نگاهی به آینده از طریق آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی‌ها می‌توانند در اجرای عدالت زیستی و حفظ منابع آیندگان نقش حیاتی ایفا کنند. در انتها ذکر این مطلب ضروری است که پرداختن به مباحث مربوط به اصول و روش‌های تربیت زیست‌محیطی بر اساس آموزه‌های قرآنی و تأثیر عنصر تربیت در حوزه محیط‌زیست، در اجزا و کارکردهای نظام آموزشی جامعه اسلامی، یک حوزه نسبتاً جدید به شمار می‌آید که بر اساس آن می‌تواند پژوهش‌ها و مطالعات جدیدی سامان یابد. به‌عنوان نمونه استفاده از فناوری‌های نوین در اجرا و عملی ساختن الگوهای تربیتی (مبتنی بر تعالیم قرآنی) برای سطوح سنی و آموزشی مختلف از جمله موضوعاتی است که پرداختن به آن می‌تواند افق‌های نوینی را در عرصه تحقیقات نظری و عملی این حوزه روشن نماید.

جدول شماره ۱. جدول اجزای الگوی تربیت زیست‌محیطی

اوصاف انسان	اوصاف طبیعت	گزاره هدف	گزاره مبنایی	گزاره اصل	روش
عقل	آیت هستی	آدمی باید نسبت به پدیده‌های جهان طبیعت نگاهی آیت‌بین داشته باشد.	نگاه آیت‌بین به پدیده‌های جهان طبیعت در گروه اندیشه‌ورزی در آن‌هاست.	آدمی برای آنکه نسبت به پدیده‌های جهان طبیعت نگاهی آیت‌بین داشته باشد، باید در آن‌ها اندیشه‌ورزی کند.	ایجاد بینش توحیدی

اوصاف انسان	اوصاف طبیعت	گزاره هدف	گزاره مبنایی	گزاره اصل	روش
اختیار	مسخر انسان	تفویض تسخیر طبیعت به انسان از سوی خداوند باید مسئولانه باشد.	رفتار مسئولانه باید در گروه تکلیف‌گرایی باشد.	انسان باید نسبت به امر تفویض، تسخیر و تصرف در طبیعت از سوی خداوند، تکلیف‌مدارانه عمل کند.	تقویت نگاه معنوی، توسعه فضای سبز، حفاظت از طبیعت
ساختار جسمانی و روحانی	حیات‌بخش بشر	انسان باید با طبیعت دارای تعاملی صحیح باشد.	تعامل با طبیعت در گروه بینش کل‌نگر است.	انسان باید نسبت به طبیعت دارای بینشی کل‌نگر باشد.	تربیت ذهن فلسفی، آموزش زمینه‌محور
فطرت	قدسیت طبیعت	انسان نسبت به طبیعت باید رابطه‌ای معنوی داشته باشد.	رابطه معنوی با طبیعت در گروه تذکر دادن نسبت به نعمت‌های الهی است.	انسان نسبت به طبیعت باید به‌طور مستمر متذکر نعمت‌های الهی باشد.	توجه علوم دینی به محیط‌زیست، تقویت حس زیباشناختی
هویت جمعی	نظم، قانون	هویت جمعی باید مقوم رفتار محافظت‌گرایانه از نظم و قوانین طبیعت باشد.	رفتار محافظت‌گرایانه نسبت به طبیعت در گروه رفتار عدالت‌جویانه نسبت به محیط‌زیست است.	هویت جمعی باید مقوم رفتار عدالت‌جویانه نسبت به محیط‌زیست باشد.	فعالیت‌های تیمی و گروهی، آینده‌پژوهی

منابع

- قرآن کریم.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، جلد اول.
- بری، جان (۱۳۸۰) محیط‌زیست و نظریه‌های اجتماعی، مترجمان، نیره توکلی، حسن پویان، چاپ ۱، نشر: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳)، مبدأ و معاد، تهران: انتشارات الزهرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، انسان از آغاز تا انجام، قم: اسراء.
- داوودی، محمد، وجدانی، فاطمه (۱۳۹۶)، مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، مجله اخلاق و حیانی، سال پنجم، ش ۲، پیاپی ۱۶.
- دوال، بیل و جورج سشنز (۱۳۸۴)، بوم‌شناسی ژرفانگر در اخلاق زیست‌محیطی، جلد اول، ص ۳۱۶-۳۱۹، ویرایش لویی پ، پویمان، ترجمه: مهدی داودی، تهران: نشر توسعه.
- رولین، برنارد (۱۳۸۴)، ذی‌شعور بودن، معیار ارزش اخلاقی، اخلاق زیست‌محیطی، جلد اول، ص ۱۵۹-۱۴۳، ویرایش لوئی پ، پویمان، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر توسعه.
- زاهدی، مرتضی (۱۳۸۵)، نظریه تربیتی اسلام، ناشر موسسه فرهنگی صابره.
- شاه ولی، منصور، کاوری زاده، باسم (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات اسلام و محیط‌زیست، انتشارات سازمان محیط‌زیست، ص ۱۰۲.
- شاه ولی، منصور، قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، تبیین پارادایم توحیدی آموزش صیانت از منابع طبیعی و محیط‌زیست، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۴، پیاپی ۲۸، صص ۱۸-۱.
- شوشتری، علیرضا، شبیری، محمد، جمشیدی راد، محمدصادق، محمدی، ناصر (۱۳۹۸)، مدل ادب محیط‌زیست و تبیین اهداف آموزش محیط‌زیست بر اساس دیدگاه اسلامی مادر بودن زمین، فصلنامه کاربردی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۳، صص ۱۰۶-۶۹.
- کانت، امانوئل (۱۳۸۴)، فقط موجودات عاقل صاحب ارزش اخلاقی‌اند، جلد اول، ص ۱۴۲-۱۳۵، ویرایش لوئی پ، پویمان، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر توسعه.
- کینگز بری، ب (۱۳۸۹)، نظام حقوق بین‌الملل ترجمه سید قاسم زمانی و آرامش شهبازی در مجموعه مقالات فرجام حقوق بین‌الملل، نوسان میان تکنیک و تدبیر، تهران: انتشارات شهر دانش.
- طاهر پور، محمد شریف، جاویدی، طاهره، باقری، خسرو، نقی زاده، حسن (۱۳۹۵)، مبانی، اصول و روش‌های تربیت زیست‌محیطی از دیدگاه اسلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، ش ۳۰.
- عبادی، احمد؛ امدادی ماسوله، محمد (۱۳۹۹)، مقاله بوم‌شناسی ژرف‌نگر، جنبشی علیه دوگانه انسان-طبیعت و نقد آن، مجله پژوهشنامه فلسفه دین بهار و تابستان، شماره ۳۵، صفحه ۱۵۴-۱۳۱.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۳۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- فراهانی فرد، سعید، محمدی، یوسف (۱۳۹۰)، قرآن، چالش‌های زیست‌محیطی و مبانی نظام محیط‌زیست در اسلام، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۶، صص ۴۲-۲۳.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲)، نگرش سیستمی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فناهی، ابوالقاسم؛ بهروزی، سجاد (۱۳۹۸)، ارزیابی نظریه احترام به طبیعت در اخلاق محیط‌زیست، مجله هستی و شناخت، شماره ۱۱، صص ۱۴۱-۱۲۱.
- قربانی زاده، وجه الله (۱۳۸۷)، یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده، انتشارات بازتاب.
- قلندریان، ایمان، تقوایی، علی‌اکبر، کامیار، مریم (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی رابطه انسان و محیط‌زیست در تفکر توسعه پایدار و تفکر اسلامی، مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، ش ۱۰، صص ۶۲-۷۶.
- کسائیان، احمد (۱۳۸۲)، جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، ماهنامه نفت پارس، سال اول، شماره ۲۲.
- لئوپولد، آلدو (۱۳۸۴)، زیست‌بوم محوری، اخلاق زمین، اخلاق زیست‌محیطی، جلد اول، صص ۳۶۳-۳۶۳، ویرایش لوئی پ، پویمان، ترجمه: فاطمه ولیانی، تهران: نشر توسعه.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰)، الهیات محیط‌زیست، مجله فرهنگستان علوم، سال ۶، ش ۱۷، صص ۳۰-۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی.
- میر فردی، اصغر (۱۳۹۷)، نگرش محیط‌زیستی و ارتباط آن با میزان دین‌داری در نورآباد ممسنی، فصلنامه علمی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، سال هفتم، ش دوم، صص ۱۰۲-۹۱.
- میرهاشمی، سید مهدی، حق‌پرست، فرزین، آصفی، مازیار (۱۳۹۹)، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی ساختمان با استفاده از سامانه جای پای بوم‌شناختی، فصلنامه علمی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، سال هشتم، شماره سوم، پیاپی ۳۱، صص ۱۶۴-۱۵۳.
- محمودی، سیروس (۱۳۷۹)، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی از نظر توجه به اخلاق زیست‌محیطی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲، ۱۶۲-۱۳۱.
- مردانی، ایوب، مرعشی، سید منصور، صفایی مقدم، مسعود، هاشمی سید جلال (۱۳۹۵)، تحلیل مبنی دینی حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک هدف تربیتی، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، ش ۸، صص ۶۷-۵۶.
- نانس، آرن (۱۳۸۴)، سطحی‌نگر و ژرفانگر، جنبش درازمدت بوم‌شناسی، اخلاق زیست‌محیطی، جلد دوم، ویرایش لوئی پ، پویمان، ترجمه ولیانی، فاطمه، تهران: نشر توسعه.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶)، دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاءالله رحمتی، نشر نی.
- وارن، کارل جی (۱۳۸۳)، توانایی و تعهد فمینیسم بوم‌شناختی، مجموعه مقالات اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه شجاعی، منصور، ج ۲، تهران: توسعه.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۸)، اسلام و محیط‌زیست، قم: نشر اندیشه مولانا.

- Dien, M. I. (1997). Islam and the environment: Theory and practice. *Journal of Beliefs and Values*, **18**(1), 47-57.
- Khalid, F. (2010). Islam and the environment—ethics and practice an assessment. *Religion Compass*, **4**(11), 707-716.
- Klark, S. (2005). "Environmental ethics." Muzaffar, M. H. *Journal of Seven Heavens*, No. 26. [In Persian].
- Stapp, W. (1969). The concept of environmental education. *Journal of environmental education*, **1**(3), 30-31.
- UNESCO. (1978). Tbilisi Declaration (final report of the intergovernmental of conference of EE): Tbilisi (USSR). Paris: UNESCO.
- White, L. (2006). "the Historical roots of our ecological crisis." Malekian, M. Pojman, L. *Environmental ethics. Vol. 1. Tehran: Tosseh Publication. [In Persian]*.



المنهج التحليلي الاستنتاجي لتدوين اسلوب التربية البيئية مع الاتكال على تعاليم القرآن الكريم

مनिحة أرياب السير *

حسنعلي بختيار النصرآبادى **

جهانبخش الرحمانى ***

فى هذه الكتابة ، فى إطار منهج تحليلي و استنتاجي ، سيتم تقديم اسلوب مفهومى للتربية البيئية على أساس تعاليم القرآن الكريم. لهذا الغرض ، فى الخطوة الأولى ، من منظور القرآن الكريم واستناداً إلى مجموعة من التفسيرات المعتمدة ، يوصف الإنسان بأنه مخلوق له الاختيار و العقل و الفطرة، ذو الهوية الاجتماعية و ذو أبعاد جسمانية وروحية معاً، والطبيعة يعرف مع أوصاف مثل آية الوجود ، مسخر الإنسان ، والقداسة ، و محبب الإنسان و مجموعة قانونية و منظمة. ستشكل هذه الأوصاف لاحقاً أساساً لاسلوب تربوي متمحوراً حول البيئة. تشمل مكونات هذا الاسلوب التربوي: المبادئ و الأهداف و الاصول و المناهج على الترتيب. وهكذا ، فى البداية ، آخذاً عن الأوصاف المذكورة سلفاً ، يتم استنتاج خمس عبارات كمجموعة من المبادئ التربوية. ثم لكل من هذه المبادئ الخمسة ، يتم تقديم غرض و اصل و طريقة تربوية واحدة أو أكثر بشكل منفصل. فى الواقع ، ابنتى الاسلوب التربوي المقدم فى هذه المقالة على التناظر و التوالى المنطقيين لهذه المبادئ، والأهداف و الاصول و الأساليب بشكل طولي واحداً بعد واحد. يركز الاسلوب التربوي المقترح هنا على جميع المبادئ التربوية ، أى الإدراكية والاتجاهية والارادية. يمكن لهذا النموذج منطلقاً أن يخلق ظروفًا تنظم العلاقات الإنسانية مع الطبيعة و تؤدى فى النهاية إلى عمارتها و مصونيتها. لذلك ، من المتوقع أن يتم استخدام نتائج الدراسة الحالية من قبل صانعي القرار فى نظمات الرسمية للتعليم و التربية للدولة وكذلك فى مجال الثقافة العامة.

الكلمات الرئيسية: المنهج القرآني، البيئة، الطبيعة، الاسلوب التربوي.

* طالبة دكتوراه فى فرع فلسفة التعليم و التربية، كلية العلوم التربوية، علم النفس واللغات الأجنبية، قسم العلوم التربوية، جامعة الحرة الإسلامية، فرع اصفهان (خوراسجان).

** الكاتب المسؤول: استاذ بكلية العلوم التربوية قسم العلوم التربوية جامعة اصفهان.

*** أستاذ مساعد، كلية العلوم التربوية و علم النفس واللغات الأجنبية، قسم العلوم التربوية، جامعة الحرة الإسلامية، فرع اصفهان (خوراسجان).

Analytical-Inferential Approach to Develop a Model of Environmental Education Relying on the Holy Quran's Instructions

Manizheh Arbab Seyr *

Hossein Ali Bakhtiar Nasrabadi **

Jahanbakhsh Rahmani ***

In this article, in the framework of an analytical-inferential approach, a conceptual model for environmental pedagogy, relying on the teachings of the Holy Quran is presented. For this purpose, in the first step, from the perspective of the Holy Quran and with reference to authentic interpretations, man as described as a creature with authority, intellect, mettle, possessing collective identity, and intertwined with the physical and spiritual dimensions, and nature with attributes such as the verse of existence, blessing Divine, human resuscitative and purposeful, balanced and symmetric system are introduced. These descriptions subsequently form the basis of an educational model on the environment axis. The components of this educational model include the basic, goals, principles and methods, respectively. Thus, initially, from the same descriptions as mentioned above, five propositions are inferred as a set of educational basics. Then, for each of these five basics, in severance of a purpose, a principle, and one or more methods are presented. In fact, the educational model introduced in this article is based on the correspondence and logical sequence of these basics, goals, principles, and methods along each other. It is expected that, the findings of the present study can be used by decision makers in the formal education systems of the country and also in the field of public culture.

Keywords: Quranic Approach, Environment, Nature, Pedagogy Model.

* PH.D Candidate in Education and Training Philosophy, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Khorasegan Branch, Isfahan University, Isfahan, Iran.

** Corresponding author: Full Professor, Department of Educational Sciences, College of Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran.

*** Assistant Professor, College of Educational and Psychological Sciences, and Foreign Languages, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Khorasegan Branch, Isfahan University, Isfahan, Iran.